مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمد صالح گردش 07/09/2022

# در تداوم یک بینش و تصویر خیال [1]

در «تاریخ بناکتی» که یکی از کُتب منسوب به‌قرن ششم هجری قمری است، یک رباعی از شاعری‌که نامش معلوم نیست، چنین درج شده است:

هر روز کند چرخ فلک بیدادی- هر لحظه رهین غم کند آزادی
این شاهد ملک خوش عروس است ولیک- هر روز در آغوش کشد دامادی
(تاریخ بناکتی ص 335)

منظورم در اینجا، تصویر خیال و بارِ فکری بیت دوم است چنان‌که این اندیشه و تصویر، بعد ها توسط یکی ازشعرای مشهور زبان پارسی، «خواجوی کرمانی» در بستر ادبی زبان پارسی چنین بازتاب یافته است:
دل درین پیر زن عشوه گر دهر مبند- کاین عروسیست که در عقد بسی دامادست.
این مضمون بعد از خواجوی کرمانی توسط «حضرت حافظ» شاعر شیرین سخن پارسی در بیتی چنین بیان گردید:
مجو درستی عهد از جهان بی‌بنیاد- که این عجوز عروس هزار داماد است
«اقبال لاهوری» در بیتی از غزل معروف خود که بر مزارِ « شهنشاه بابر» سروده بود، مصرع دوم بیت حافظ را با تغییر و دستکاری در دو مورد چنین درآورده است:

هزار مرتبه کابل نکوتر از دلی است - که آن عجوزه عروس هزار داماد است

سخن این‌جاست که یک اندیشه و مفکوره در ابتداء توسط فردی بیان می‌گردد و بعد توسط دیگران با تعویض و تغییر واژه ها دستکاری و ویرایش گردیده تداوم پیدا می‌کند. چنان‌که در آثار قبلی‌ام در باب رودکی و اشعارش یاد آور گردیده ام که همه آن بار فکری و اندیشه‌های‌که در اشعار او بازتاب گردیده‌اند، به‌تنهایی مربوط و منوط به‌فرد او نیست و به احتمال قوی به‌گذشته های دور ادب و فرهنگ ما برمی‌گردند. این تصویر و اندیشه نیز طوری‌که دیده شد حداقل متعلق به‌قرن ششم است و شاید به گذشته های دورتری رابطه بگیرد که ما بیشتر از آن اطلاعی نداریم که بعداً توسط خواجوی کرمانی، حضرت حافظ و علامه اقبال با اندک تغییراتی در به‌کارگیری واژه ها و شیوۀ بیان، بازتاب متداوم داشته و تا قرن بیستم در سخنی سخنوران تداوم پیدا کرده است.
به‌نظر من اگر ریشه‌ی این اندیشه و تصویر خیال به «یزید» بن «معاویه» برگردد، شکی نیست. یزید بن معاویه خلیفه دوم از خاندان بنی امیه که یکی از شعرای به‌نامِ عصر و زمان خود بود، در بیتی گوید:

کل ملک و نعیم زائل
و بنات الدهر بلعین بکل

یعنی، هر ملک و نعمتی زائل شونده است و دختران روزگار با همه بازی می‌کنند.
و حافظ باز در بیت دیگری گوید:

برو از خانه گردون بدر و نان مطلب- کاین سیه کاسه در آخر بکُشد مهمانرا


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

که باز هم بارِ فکری بیت بالا ، تداوم همان بینشِ یزید بن معاویه خواهد بود.
و این هم بیت دیگری از حافظ، با همان بار ِ اندیشه:

از ره مرو به عشوهٔ دنیی که این عجوز - مکاره می‌نشنید و مختاله می‌رود

به‌نظر می‌رسد اندیشه‌ها و صورِ خیال اشعار یزید بن معاویه در اشعارِ شعرای پارسی زبان، به‌ویژه در رباعیات عمرخیام و غزلیات حضرت حافظ بازتاب گسترده‌ی داشته است که به تحقیق و پژوهش دامنه دار نیاز است. کسانی که دو زبان عربی و پارسی را به‌خوبی بدانند و بدون عصبیت و جهت‌گیری اگر به‌این کار همت گمارند تا نقاط مشترک اندیشه‌های این سه مرد ادب دریافت و بازتاب گردد، کاری خواهد بود ماندگار و درخور توجه اهل ادب و سخن. نگارنده‌ی این مقال که به‌زبان عربی آشنایی کامل ندارم و از اهل دانشگاه و دارای مراتب بلند تحصیلی نیز نیستم، نوشته‌ی کوتاهی آماده نموده بودم در باره همان رباعی که در تاریخ بناکتی توجه‌ام را جلب نمود که تا بیت علامه اقبال پی‌گیری نمودم. تصادفاً بعدها چند بیتی از یزید بن معاویه با ترجمه پارسی آن به دسترسم قرار گرفت و متوجه آن تسلسل بینشی و تصویری گردیدم که بیت بالا از یزید بن معاویه را مبدأ آن چند بیتی از بزرگان ادب پارسی دانسته‌ام. در این‌جا به چند بیت دیگری از یزید بن معاویه نیز اشاره می‌نمایم که به‌نحوی در ابیات حافظ و خیام بازتاب گردیده اند:

یزید در شعر دیگری گوید:
معشرالندمان قوموا
واسمعو صوت الاغنانی
وشربوا کاس المدام
واترکو ذکرالمعانی
شغلتنی نغمته العبدان
عن صوت الاذان

یعنی: ای ندیمان و هم مشربان من! از جای برخیزید و بشنوید صدای غنا ها را و بیاشامید کاسه شراب را و واگذارید یاد کردن معنویات را، باز داشته است مرا صدای تار و ساز از گوش به صدای اذان.
به نظرم این بینش و تصویر خیالِ یزید بن معاویه در بیتی از حافظ چنین بازتاب گردیده است:
چه نسبت است به رندي صلاح و تقوا را- سماع وعظ کجا ، نغمه رباب کجاست.
یزید در بیتی دیگری گوید:

و تعوضت عن الحور
عجوزاً فی الدنان

یعنی: من عوض کردم حور بهشت را و در عوض آن اختیار کردم پیر زن را که چون سخن گوید کلمات او را نمی‌فهمم.
به‌نظرم این گفتهٔ یزید در یکی از رباعیاتی از خیام چنین سر برآورده است:

گویند کسان بهشت با حور خوش است
من می‌گویم که آب انگور خوش است
این نقد بگیر و دست ازآن نسیه بدار
کآواز دهل شنیدن از دور خوش است.

یزید گوید:

ولا تدخر یوم السرور الی غدِ
فربّ غدِ یاتی بما لیس یُعلم

یعنی: و ذخیره نکن روز شادی را تا فردا ، چه بسا فردا بیاید به چیزی که معلوم نیست باشد.


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

و خیام گوید:

چون عهده نمی‌شود کسی فردا را- حالی خوش کن تو این دل شیدا را
می نوش بماهتاب ای ماه که ماه- بسیار بتابد و نیابد ما را

و حافظ در بیتی گوید:
ای دل ار عشرت امروز به‌فردا فکنی- مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد

ناگفته نماند که اولین مصرع غزلِ نخست دیوان حافظ نیز یکی از مصراع ابیات یزید بن معاویه بوده است. یزید بن معاویه خلیفه دوم اموی که یکی از ملوک ظالم و از عیاشان دوران خود بود، در ضمن یکی از سخن‌وران و شعرای مشهور و به‌نامِ عرب نیز بوده و از او دیوانی نیز به‌یادگار مانده است. این بیت منسوب به یزید است:

انا المسموم و ما عندی بتـریاق و لا راقی
ادر کاســـا و ناولـــها الا یا ایها الساقی

و حضرت حافظ مصرع دوم بیت بالا منسوب به یزید را در نخستین بیت الغزل دیوانش چنین به عاریت گرفته است:

الا یا ایّها السّاقی ادرکاساً و ناولها- که عشق آسان نمود اوّل ولی افتاد مشکلها

این عاریت حضرت حافظ از یزید بن معاویه (دشمن نوه های پیامبر(ص)) در طول تاریخ توسط تعدادی از ادباء و شعراء هجو و تحقیر شده است و تعدادی نیز به‌دفاع حافظ پرداخته اند که ما را به آن هجو و دفاعیه ها کاری نیست و در اینجا توجه ما به زیبایی کلام است که با وجود تنفر و تفاوت های فکری و سلیقه‌یی نسبت به کسی و فردی، وقتی سخنش زیبا نماید از دیدگان مردم روزگار نادیده نماند.

پایان

منابع:


- [1] گردش، محمد صـــالح. حافظ شـــاعر مداح و طماع. مزارشـــریف: مطبعه صـــورتگر، بهار ۱۳۹۶ خورشـــیدی، صص ۲۱-۱۶
- حافظ، شمس الدین محمد. دیوان. بر اساس نسخهٔ خلخالی، به کوشش بهأ الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دوستان ۱۳۷۹.
- تاریخ بناکتی (روضهٔ الا لباب فی معرفهٔ التواریخ و الانساب) به کوشش جعفر شعار، تهران: ۱۳۷۸ خورشیدی




افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ